



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۳، صص ۶۰۲-۵۷۰

آنجا که آزادی نیست؛

اگر رأی دادن چیزی را تغییر می‌داد اجازه نمی‌دادند که شما رأی بدهید

مارک تواین

مزایای اجتماعی نامزدی در کارزار انتخابات نورآباد فارس

سیدمحمدحسین حسینی^{۱*}، وحید صادقی^۲

۱- دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

mh.hossein25@yahoo.com

۲- دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

Vahidsadeghi86@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

چکیده

دموکراسی و انتخابات، مکانیزم اجرای اراده ملت به حکومت برای اداره سرزمین است. انسان سیاسی به مثابه نامزد انتخاباتی از اجزاء و مولفه‌های مهم و زمینه‌ساز فرایند انتخابات به‌شمار می‌رود، به نحوی که بدون بازیگر سیاسی، رأی دهنده نمی‌تواند گنشی / انتخابی داشته باشد. کارزار انتخاباتی، راهبردی‌ترین دریچه ورود نخبگان به سیاست‌های خرد و کلان کشور است، از این‌روست که نامزدهای انتخاباتی به‌ویژه نمایندگان ادوار مجلس، فرصت را مغتنم شمرده و با اعلام داوطلبی مجدد در این عرصه به دنبال حفظ جایگاه سیاسی و کسب قدرت سیاسی هستند. استان فارس متشکل از فضاهای جغرافیایی گوناگون و متنوعی است که حوزه انتخابیه ممسنی و رستم با مرکزیت نورآباد فارس از جمله آنهاست که کمتر نماینده‌ای از حضور در دور بعدی انتخابات، اعلام انصراف کرده است. بنابراین این پرسش مطرح است که دلایل حضور متعدد نامزدها و نمایندگان در پیکار انتخابات چیست؟ یا مهمترین مزایای اجتماعی نامزدی در کارزار انتخاباتی نورآباد فارس کدامند؟ نوع مقاله، پژوهشی است و روش تحقیق، ماهیتی کیفی - تحلیلی دارد، به نحوی که گردآوری اطلاعات متکی بر آنچه که در بستر دوازده دوره انتخابات مشاهده شده و آنچه که تجزیه و تحلیل استدلالی است، پی‌ریخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شناسه‌های سه‌گانه «شهرت»، «قدرت» و «ثروت»، مهمترین «مزایای اجتماعی» اعلام نامزدی در پیکارهای انتخاباتی به‌ویژه از سوی نمایندگان ادوار نورآباد فارس هستند. سوای از اینها نمایش میزان «کارآمدی» و «خدمت» نیز از دیگر شناسه‌های تقویت‌کننده این مسئله به‌شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: دموکراسی، جغرافیای انتخابات، مزایای اجتماعی، نورآباد فارس.

فردای انتخابات، رفتگرها وعده‌ها را جمع می‌کنند
(ص و حسینی، ۱۴۰۳)

۱. درآمد

دموکراسی و انتخابات مکانیزم همه‌پسندی تاکنون برای اداره سرزمین در سیستم‌های سیاسی بوده است. جایی که انسان‌هایی بافضیلت با داشتن شایستگی‌هایی، خود را در معرض نمایش رأی مردم قرار می‌دهند تا بتوانند کرسی مدنظر را کسب کنند. در کشورهای با سنت دموکراتیک، انتخابات، فرصت و انگیزشی چهارساله تازه برای جامعه مدنی است تا هرلحظه کارگزاران جدید در تسهیل امور جامعه کوشا تر باشند. بنابراین در این سیستم‌های دموکراتیک هم مردم و نظام سیاسی و هم کشور از مزایای اجتماعی دموکراسی و انتخابات بهره می‌برند اما در کشورهای کم‌توسعه و ناتوسعه، این‌رویه به سود فضای جغرافیایی نیست بلکه انتخابات سازوکاری دموکراتیک اما در خدمت **گرسنگان قدرت و ثروت** قرار می‌گیرد. ایران، کشوری با نظام سیاسی متمرکز و عقب‌مانده از توسعه، باوجود نیروی انسانی ورزیده و کاربلد، تاکنون نتوانسته از کرسی‌های در معرض رأی ملت برای شکوفایی و بالندگی کشور سود بجوید. چرایی این موضوع ریشه در کهنگی و به‌روزنشدن قانون اساسی و رخصت‌ندادن به‌حضور نخبگان سیاسی قوی به عرصه قدرت سیاسی است. در نتیجه نتوانستن و میل به ورود پیدانکردن نخبگان سیاسی کارآمد برای نقش‌آفرینی در پیکار انتخابات، ورود افراد گمنام و نامتخصص در عرصه نامزدی در انتخابات است که خروجی جزء عقب‌ماندگی فضای جغرافیایی نداشته است. استان فارس باوجود پهناوری و میزان تعدد نیروی نخبه و رجل سیاسی آنطور که بایسته است در سیکل توسعه‌یافتگی قرار نگرفته است و برخی از مناطق آن عرصه بازیگری گانگسترهای قدرت برای کسب ثروت و شهرت شده است. نورآباد فارس، شمال غربی این استان به‌عنوان مرکز حوزه انتخابیه ممسنی و رستم از جمله فضای سیاسی قلمداد می‌شود که کنشگران سیاسی، بیشترین تحرکات را در بستری سنتی از خود به نمایش می‌گذارند تا به موفقیت حداکثری دست یابند. این کوشندگان سیاسی در قامت نمایندگان وقت هردوره، خواهان‌تر از سایر نامزدها هستند و بعضاً ابزارهای سیاسی (کارگزاران و نهادهای مجری انتخابات) و محلی (گروه‌های خویشاوندی، متنفذین محلی، موی‌سپیدان و امثالهم) را در راستای پیروزی مجدد در این کارزار به‌کار می‌گیرند. چرایی ناکامی نمایندگان ادوار نورآباد فارس (به‌ویژه ادوار سوم تا دوازدهم) برای دوبله و سوبله‌نمودن کرسی پارلمان موضوع این نوشتار نیست؛ چراکه به‌اندازه کافی دلیل مُتقن برای تک‌دوره‌ای شدن آنها وجود دارد. از این‌رو، نگارندگان باعنایت به موضوع اصرار نمایندگان وقت هر دوره برای تکرار کاندیداتوری خود در انتخابات مجلس، در پی

پاسخ به این پرسش هستند که اساساً دلایل حضور متعدد نامزدها و نمایندگان در پیکار انتخابات چیست؟ یا مهمترین مزایای اجتماعی نامزدی در کارزار انتخاباتی نورآباد فارس کدامند؟

۲. خلاقیت و نوآوری

خلاقیت (innovation) توانایی و قدرت ارائه نظرها و فکرهای جدید و نو است. نوآوری (creativity) یعنی به کارگیری نظرها و فکرهای حاصل از خلاقیت؛ نظیر ارائه محصولات، خدمات، و راههای جدید برای انجام کارها. افزایش توان خلاقیت و نوآوری در گرو رفع موانعی چون فقدان اعتماد به نفس، ترس از انتقاد و شکست، تمایل به هم‌رنگی با جماعت و فقدان تمرکز ذهنی است. مراحل چهارگانه نوآوری در محصول عبارت‌اند از: ایجاد فکر جدید، آزمایش‌های اولیه، تعیین امکان‌پذیری و کاربرد نهایی است (رضائیان، ۱۳۹۲: ۱۲۸ و ۱۱۷ و ۱۱۹). روش‌شناسی، کیفی / تحلیلی است همراه با شالوده‌ها و مفاهیم نظری که مقاله را بنیادی (خلاقیت) و کاربردی (نوآوری) کرده است. مقاله حاضر مکمل مقاله‌ای است که نویسندگان در پاییز ۱۴۰۰ در مجله سیاست‌پژوهی تحت عنوان «بازتاب‌های رویکرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در شهرستان ممسنی باتأکید بر سه مفهوم «تکنوکراسی، بوروکراسی و کاریزما» به چاپ رسانده‌اند. درون‌مایه هر دو نویسه مفاهیمی نظیر «شهرت»، «قدرت» و «ثروت» است با این تفاوت که مقاله فوق، رویکرد و عملکرد دوره چهارساله هریک از نمایندگان ادوار شهرستان‌های ممسنی و رستم را براساس مفاهیم فوق تبیین نموده، اما نوشتار پیش‌رو به مزایای اجتماعی نامزدی این بازیگران در پیکار انتخاباتی معطوف است.

۳. مباحث نظری تحقیق

۳-۱. شالوده نوشتار؛ دموکراسی

«حکومت‌کردن مردم» یا «مردم‌سالاری»، جغرافیایی‌ترین گونه حکومت شمرده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۹۰). ارزشمندترین جنبه یک جامعه دموکرات، حکومت اکثریت نیست، بلکه محدودکردن قدرت حاکم باهدف حمایت از حقوق شهروندی است به نحوی که، برنده انتخابات هرکاری که دلش بخواهد، نمی‌کند و نباید بخواهد هرچیزی را به انقیاد خود درآورد (نوح‌هراری، ۱۴۰۱: ۱). چراکه در دموکراسی‌ها، حکمرانی، موقتی است؛ دلیل این محدودیت، این پیش‌فرض دموکراسی است که تراکم قدرت، ثروت و اطلاعات، فسادآور است (جلائی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۹۳). در یک دموکراسی، انتخابات نمی‌تواند نمایی ظاهری باشد، بلکه انتخابات رقابت‌های واقعی هستند بر سر کسب حمایت مردم (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۰). در نظام‌های اقتدارگرا، انتخابات برای مشروعیت

بخشیدن به نظام سیاسی به کار می‌رود (امجد، ۱۳۸۹: ۱۳۰). آنها با استحاله انتخابات و معنی‌زدایی از آن، رأی‌ها را تبدیل به ابزاری برای نمایش مشروعیت می‌کنند (افشاری، ۱۴۰۲: ۱).

۲-۳. جغرافیای انتخابات چیست؟

عوامل گوناگونی کارزار انتخاباتی را در جغرافیای انتخابات تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. ویژگی‌های روان‌شناختی کاندیداهای فردی (Silvester&Others, 2021: 1628-1668)، شکاف در میزان صداقت / فروتنی (Schumachera& Zettler, 2019: 173-181)، خرید رأی (Arowolo, 2019: 50)، «سیاست پولی» و «شکاف قومیتی» (Peter Charles&Others, 2021: 84-95)، ارضای علایق مذهبی و نیازهای اقتصادی (Obani & Odalonu, 2019: 2)، رسانه‌های اجتماعی نظیر واتس‌آپ و توئیتر (Omobolanle & Seri, 2021: 1-20)، می‌تواند به نتایج عملکرد و تصمیم‌گیری‌های رأی‌گیری در جغرافیای انتخابات کمک کند. جغرافیای انتخابات به مطالعه‌ی الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۶۳).

۳-۳. نامزدهای انتخابات؛ صحنه‌گردانان میدان بازی

انسان سیاسی به مثابه نامزد انتخاباتی فردی است واجد شرایط خاص که برای تحصیل قدرت سیاسی، خود را در معرض رأی‌مستقیم مردم قرار می‌دهد. کاندیدا، انسان سیاسی است که قرار است نقش^۱ بازی کند. رولی حرفه‌ای / طبیعی و مطلوب توده‌رأی‌دهنده برای جذب رأی و درنهایت کسب قدرت از طریق انتخابات در چارچوب اصول قانون اساسی مربوطه. هرکدام از بازیگران سیاسی، قدرت سیاسی^۲ به‌شمار می‌روند که از ترکیب و تجمع اراده سیاسی افراد ملت در قالب برگه‌های رأی در مکانیسم انتخابات / دموکراسی و انتقال این قدرت به نهاد حکومت یا فرد حاکم شکل می‌گیرد (صادقی، ۱۴۰۲: ۷۴).

در نظام سیاسی قانونی، قدرت از طریق نمایندگی به فرد یا افرادی تفویض می‌شود و آنها براساس قانون مجازند که از این قدرت استفاده کنند؛ بنابراین، فرد در سپردن قدرت به فرد دیگر (انتخاب نماینده) نقش محوری و مهمی برعهده دارد و مهمترین نقش و کار فرد، انتخاب نماینده است؛ زیرا اگر افراد در انتخاب نماینده درست عمل نکنند و انتخاب صحیحی انجام نشود، اولین کسانی که زیان می‌بینند خود مردم‌اند (رجب زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

^۱. Role

^۲. Political Power

نحوه‌ی انتخاب

در زمان انتخابات، افراد متعددی نامزد (داوطلب) نمایندگی می‌شوند که صلاحیت آن‌ها از نظر داشتن شرایط لازم برای نمایندگی بررسی می‌گردد؛ سپس همه یا گروهی از آن‌ها تأیید و به مردم معرفی می‌شوند. از این زمان به بعد،

- نامزدها (داوطلبان) به معرفی خود و برنامه‌هایشان در مجلس یا در مقام رئیس‌جمهوری می‌پردازند؛

- سوابق خود را مطرح می‌کنند؛

- خود را نماینده‌ی گروه و قشر خاصی هم چون احزاب، کارگزاران، مستضعفان، بازاریان، مهندسان،

دانشگاهیان و جزاینها معرفی می‌کنند؛

- شایستگی‌ها و تحقیقات خود را بیان می‌کنند؛

- می‌گویند که اگر به مجلس راه یابند یا رئیس‌جمهور شوند، چه خواهند کرد؛

- و جزاینها.

بعد از این شهروندان باید به انتخاب نماینده یا رئیس‌جمهور بپردازند؛ اما چگونه؟

مراحل انتخاب

الف) هدف از انتخاب: قبل از هر چیز، هر شهروند باید به این پرسش پاسخ دهد:

«انتظار دارم این نماینده (یا رئیس‌جمهور) در مجلس (یا قوه‌ی مجریه) چه کارهایی انجام دهد و چه اهدافی را

دنبال کند؟» به عبارت دیگر، او باید هدف خود را از انتخاب مشخص کند؛ برای نمونه:

- عدالت اجتماعی را برقرار سازد؛

- کارهای دولت را برقرار کند؛

- شهرم را آباد کند؛

- جاده‌های روستایی را آسفالت کند؛

- و جزاینها.

اگر شهروندی نتواند به این پرسش، پاسخی روشن بدهد، انتخاب او انتخابی کور خواهد بود. در این حالت،

ممکن است مواردی از قبیل تشویق دیگران یا قیافه نامزد نمایندگی و جزاینها او را به پای صندوق رأی بکشاند؛

بدون این که بداند آیا این داوطلب واقعاً نماینده‌ی او هست یا نه.

ب) شناسایی نامزدها: گام دوم در انتخاب نماینده، شناسایی نامزدهاست. شناسایی به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش صورت می‌گیرد که «کدام یک از نامزدها می‌تواند نماینده نظریات و افکار من باشد؟».

در این مرحله، شیوه‌های مختلفی برای شناسایی نامزدها وجود دارد: اولین راه شناسایی، بررسی نکاتی است که نامزد موردنظر به صراحت در سخنرانی‌ها و تبلیغات خود مطرح می‌کند. دومین راه، بررسی مطالبی است که مخالفان وی در روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها و محافل مختلف نقل می‌کنند. سومین راه، شناخت هواداران وی است؛ این که چه افراد و گروه‌هایی با چه خصوصیتی از او هواداری می‌کنند، برایش تبلیغ می‌کنند، پوستر چاپ می‌کنند و امثالهم.

- افراد متمول سودجو از او حمایت می‌کنند یا توده مردم؟

- افراد متخصص و شایسته از او تعریف می‌کنند یا افراد نامتخصص؟

- کدام رسانه و روزنامه برای او تبلیغ می‌کند؟ کدام جریان سیاسی و احزاب او را از آن خود می‌دانند؟

- آیا گفتار و بادی لنگویج او با رفتار و جغرافیای بدن او هماهنگ است؟

- جزاینها.

چهارمین راه - در صورتی که فرد قبلاً نماینده بوده یا در پست‌های اجرایی مشغول به کار بوده است - بررسی سوابق او در این کارها، برنامه‌ها و جهت‌گیری‌های وی است. در صورتی که برای داوطلبان مباحثات تلویزیونی یا رادیویی برقرار باشد، این نیز یک شیوه شناسایی خواهد بود. راه دیگر، شرکت در مباحثات و سخنرانی‌های نامزد موردنظر و پرسش از وی است؛ زیرا معمولاً داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی خود می‌کوشند به کلی‌گویی بسنده کنند، بدون این که در صدد طرح شیوه‌های اجرای برنامه‌های خود برآیند. در این موارد، مطرح کردن پرسشهایی درباره شیوه‌های عملی تحقق شعارها می‌تواند راه‌گشا باشد. هم‌چنین، نامزدها ممکن است از مفاهیم کلی و شعارهایی استفاده کنند که معانی متعدد دارد. پرسش از منظور آن‌ها نیز می‌تواند به ما شناخت دقیق‌تری بدهد.

پ) تشخیص و ارزیابی: پس از مرحله شناسایی، گام سوم ارزیابی و تشخیص است؛ این که:

- کدام یک از این اطلاعات درست است؟

- آیا می‌توان به وعده‌های این داوطلب امید بست؟

- آیا برنامه‌ای که او ارائه می‌دهد واقع‌بینانه و تحقق‌پذیر است. یا این که برای خوشایند رأی‌دهندگان مطرح شده است؟

- اصلاً برنامه‌ای دارد یا این که با بیان شعارهای مردم‌فریب در صدد جذب آراست؟
در این مرحله، مشخص می‌شود که نظریات و برنامه‌های کدام یک از نامزدها با آن چه شهروند انتخاب‌کننده می‌خواهد، نزدیک است.

مجموعه این گام‌ها فرد را به انتخابی دقیق‌تر و روشن‌تر هدایت می‌کند. شاید بگویید: «انتخاب نماینده عجب کار مشکلی است!» ما هم پاسخ می‌دهیم: «بلی، کاری بسیار مهم و مشکل است؛ زیرا هر فرد با انتخاب خویش در واقع سرنوشت چهارساله خود و کشورش را رقم می‌زند» (رجب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲-۱۲۵).

شکل (۱) مراحل انتخاب نماینده

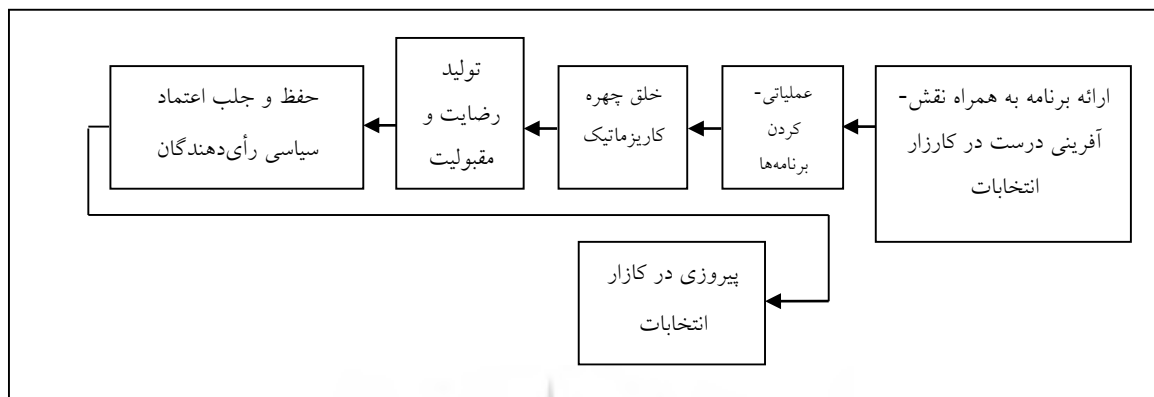


منبع: همان

با این رهیافت می‌توان به‌طور کلی به این پرسش بنیادین که نامزدها باید چه ویژگی‌ها و صلاحیتی داشته باشند تا در پرتو آن شهروندان اقدام به تصمیم برای رأی‌دادن به آنها کنند؟ این‌طور پاسخ داد؛ داشتن ویژگی‌های فردی و موقعیت مطلوب اجتماعی و اقتصادی و استفاده از یک سلسله عوامل و برنامه‌هایی که منتج به تواناسازی نامزد انتخاباتی می‌شود، پاسخ به این پرسش می‌تواند باشد. نامزد برخوردار از ویژگی‌ها و منابع (مادی و معنوی) بیشتر، پایگاه رأی سنگین‌تری دارد. به‌طور واقع‌نگرتر رأی‌دهندگان، افرادی را بر می‌گزینند که بتوانند خواسته‌ها و منافع شخصی و جمعی آنها را برآورده کنند، از این رو نامزد انتخاباتی باید این توانش و قابلیت را داشته باشد که «تولید رضایت» بیافریند؛ یعنی انگیزه فرد را برای رأی‌دادن فراهم سازد. نامزدهای انتخاباتی در صورت پاسخگوبودن بدون استئنا به‌خواست ملت و نقش‌آفرینی همسو با فرهنگ سیاسی فضای جغرافیایی مربوطه می‌تواند به‌درستی آراء و نظر شهروندان آن قلمرو زیستی را به‌سمت خود سوق دهد. بنابراین بازیگران انتخاباتی، با تنظیم و تنسيق تحرکات خود با فرهنگ سیاسی جامعه که برآمده از فرهنگ عمومی است، در عرصه سیاسی بازی‌گری خوش می‌درخشند. آنچه که باعث گرایش توده رأی‌دهنده به‌سمت بازیگر می‌شود، مقوله «اعتماد اجتماعی» است که در واقع یکی از ابعاد فرهنگ عمومی هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود و بر رفتار انتخاباتی تأثیرگذار است. توسل جستن به راهبردهایی که موجب اعتماد توده به بازیگران می‌شود بسیار راهگشاست. نمودار زیر کوششی است برای موفقیت در کارزار انتخابات. در مرحله اول نقش‌آفرینی درست و حرفه‌ای نامزدها

به همراه ارائه برنامه گام استواری است. عملیاتی کردن برنامه‌ها درآمد شناختی درخوری برای نامزدهای انتخاباتی فراهم می‌کند. پس‌ازاین تولید رضایت و اعتماد رأی‌دهندگان و فرجام، پیروزی در نبرد انتخابات است (صادقی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۰).

شکل ۲) چگونگی تولید و هدایت رفتار سیاسی توسط نامزدها



منبع: (صادقی، ۱۴۰۲: ۷۶)

۳-۴. مزایای اجتماعی (Social benefit)

از دید نویسندگان مقاله (۱۴۰۳)، مزایای اجتماعی به معنای رجحان مقدورات بر محذورات در روابط متقابل انسانی است. مقدورات ناظر بر اندوخته‌های مادی، شادی، به‌زیستی و خوش‌زیستی انسانی است. مقدورات، سکوی پرتاب انسان باوجه‌مشخصه «صعود» است. «ثروت»، «قدرت»، «احترام / شهرت»، «خدمت»، «کارآمدی» بنیادی‌ترین و ارزشمندترین مزایای اجتماعی و مقدورات انسانی به‌شمار می‌روند که داشتن یکی از آنها (خواه انتسابی؛ خواه اکتسابی)، گاه پیش‌درآمد نیل به‌دیگری است. نمونه‌تئپیک مقدورات، حوزه **اسکاندیناوی** است. آن‌روی دیگرسکه، محذورات ناظر بر نداشته‌ها، کمبودها، غم‌بارگی و بدزیستی انسانی است که فاقد هرگونه مزیت اجتماعی است. محذورات زمینه پرتگاه انسان، قهقرای زیست اجتماعی باوجه‌مشخصه، «سقوط» است. نمونه‌تئپیک محذورات، **افغانستان** است. روی‌هم‌رفته، نسبت میان مقدورات و محذورات تعیین‌کننده میزان برخورداری از مزایای اجتماعی و روابط اجتماعی اعم از شأن‌ومنزلت، طبقه، صعود و سقوط است، ازاین‌روست که بازیگران فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی درپی این مزایا هستند.

۳-۴-۱. شهرت (Repute)

مفهوم شهرت یعنی این که افراد زیادی یک فرد یا گروه را بر اساس صفت یا قابلیت که آن را «خوب» یا «خواستنی» می‌دانند (مثل ثروت، قدرت، زیبایی، مهارت، شایستگی، استعداد، هنرمندی) بشناسند (فکوهی، ۱۳۹۶).

۳-۴-۲. قدرت (Power) و طبقه‌بندی پنجگانه

قدرت^۳، انگیزه یا پدیده‌ای سیاسی است که از نیروی «اراده» یا «خواست» درونی انسان و توان عملی ساختن و به نتیجه رساندن آن ناشی می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۲۸). اصولاً قدرت عبارت از توانایی اعمال نفوذ بر دیگران و نفوذ^۴ عبارت از اعمالی است که مستقیم یا غیرمستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظریات دیگران می‌شوند. بدین ترتیب قدرت و نفوذ با یکدیگر درآمیخته‌اند و مسئله رهبری با هر دوی آنها در ارتباط است، زیرا رهبری به نفوذ بر دیگران تحقق می‌یابد و نفوذ نیز از قدرت سرچشمه می‌گیرد. طبقه‌بندی پنجگانه قدرت عبارت‌اند از:

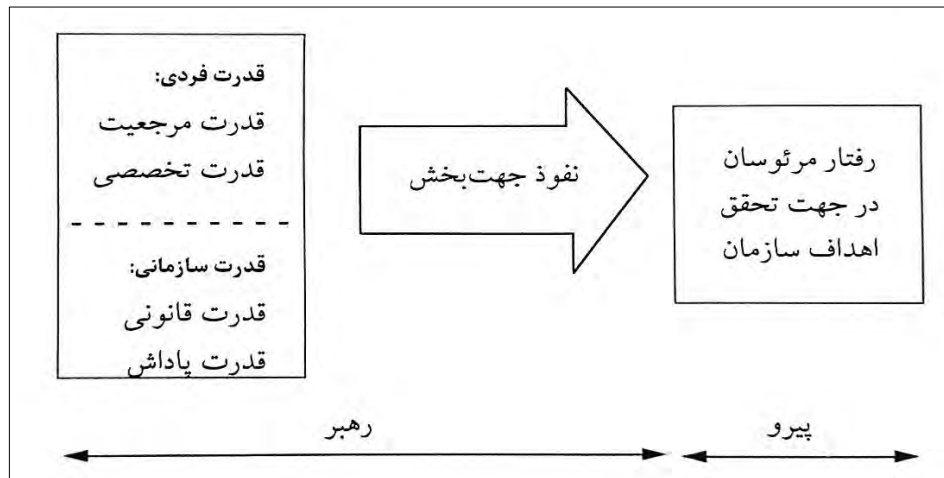
۱. **قدرت مرجع بودن:** توانایی ناشی از قبول رهبر به وسیله دیگران به عنوان مرجع و الگو.
 ۲. **قدرت قانونی:** توانایی منبعث از قانون که مدیر را در نقش رهبر قادر می‌سازد تا بر مرئوسان خود اثر بگذارد و به رفتارشان جهت دهد.
 ۳. **قدرت تخصصی:** قدرتی برانگیخته از تخصص و کاردانی مدیر است که او را بر دیگران نافذ می‌سازد.
 ۴. **قدرت پاداش:** توانایی دادن پاداش مادی یا معنوی به مرئوسان و جهت بخشی به رفتار آنان به منظور تحقق اهداف سازمان است.
 ۵. **قدرت تنبیه:** توانایی تنبیه مرئوسان و جهت بخشی در رفتار آنان به منظور تحقق اهداف سازمان است.
- هر چه بازیگر سیاسی به قدرت‌های فوق بیش‌تر مجهز شود، می‌تواند نفوذی بیشتر بر افراد داشته و در انجام وظیفه رهبری و هدایت خود موفق‌تر باشد. بدین ترتیب رابطه قدرت و نفوذ در رهبری را می‌توانیم در شکل (۳) خلاصه کنیم (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

^۳. Power

^۴. influence

^۵. Referent power

شکل ۳) رابطه قدرت و نفوذ رهبری



منبع: (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۴۳)

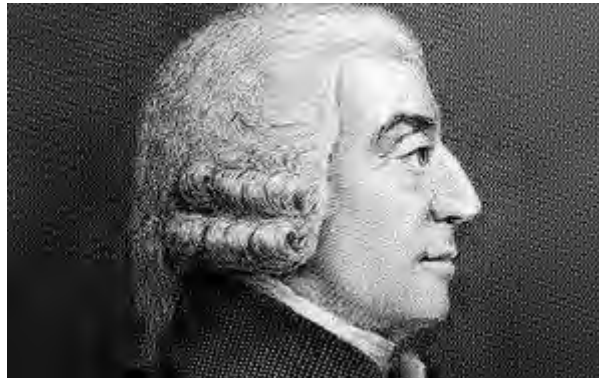
۳-۴-۳. تعریف ثروت (Wealth) و نقش پول در کارزار انتخابات

به‌طور کلی، ثروت معیاری برای سنجش ارزش دارایی‌های یک فرد یا کشور با در نظر گرفتن بدهی‌های آن است. مجموع گنج‌ها، ذخایر طلا، گوهر، تاج و تخت تعریفی قدیمی و ساده از این مفهوم است. با وجود این، ثروت به تمامی مواد و اشیایی گفته می‌شود که نیازهای بشر را رفع می‌کنند. در تعریفی دیگر، مجموع دارایی‌های واقعی، مالی و انسانی را «ثروت» می‌گویند که هریک از این دارایی‌ها ایجادکننده مطلوبیت هستند. به عقیده آدام اسمیت، ثروت به منزله دسته‌ای از ظرفیت‌های تولیدی است که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. امروزه تعریف ثروت به شدت با روش‌های کسب و کار اینترنتی و درآمد آنلاین پیوندخورده است. گاه ثروت پیش درآمد، قدرت است و گاه بازیگران سیاسی به واسطه قدرت، ثروت را مضاعف می‌سازند (نگارندگان، ۱۴۰۳).

پول یا سیاست پولی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار اصلی در طول انتخابات برجسته شده است، به‌ویژه در هنگام ترجیح رأی‌گیری که در آن رأی‌دهندگان رأی خود را به نامزدهایی می‌دهند که به آنها مقداری پول، قول، هدایا یا برخی انگیزه‌های دیگر می‌دهند (Charles, 2017: 120-132). پول در طول مبارزات انتخاباتی به عنوان یکی از متغیرهای اصلی تأثیرگذار در تصمیم‌گیری‌ها مشخص شده است، به‌ویژه در میان تمایل رأی‌دهی که در آن رأی‌دهندگان رأی خود را به نامزدهایی می‌دهند که به آنها مقداری پول نقد، ضمانت‌ها یا موقوفات می‌دهد. پول یکی از مولفه‌های اصلی تصمیم‌گیری است که اکثر رأی‌دهندگان در میان فرآیند رأی‌گیری به آن وابسته هستند (Peter Charles, 2021: 84-95).

⁶. Adam Smith

عکس ۱) آدام اسمیت؛ پدر علم اقتصاد مدرن و مؤلف کتاب ثروت ملل



۳-۵. کارآمدی (Effectiveness)

کارآمدی یعنی شایستگی و کاردانی در تأمین اهداف اما کارایی یعنی شایستگی در مصرف منابع و بهره برداری بهینه از آن است (رضاییان، ۱۳۹۲: ۲۰). از دید سیمور لیپست^۷، کارآمدی عبارت است از تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی دولت، به گونه‌ای که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را عیناً مشاهده کنند (عطار و کمالی‌زاده به نقل از لیپست، ۱۳۹۷: ۴). مطابق این تعریف، کارآمدی با مفاهیمی هم‌چون کارایی، پاسخگویی و مشروعیت ارتباط نزدیکی دارد (همان).

۳-۶. خدمت (Service)

به هرگونه فعالیت یا مزیت گویند که از یک طرف به طرف دیگر ارائه می‌شود. خدمت، کم و بیش ناملموس است که معمولاً و نه لزوماً در تعاملات میان مشتری و کارکنان خدمت‌ها یا منبع‌های فیزیکی یا کالاها یا سیستم‌های عرضه‌کننده و پخش سرویس‌ها انجام می‌گیرد و به عنوان راه‌حلی برای مشکلات مشتری ارائه می‌شود. به عقیده زی‌تامیل و همکارانش، بیشتر خدمت‌ها ناملموس، ناهمگون و ناهمسان است (پوراسدی و معدنی، ۱۳۹۵: ۱۶۹). به عبارت گویاتر خدمت، جهت‌گیری یک فرد به سمت ارائه خدمات به مردم با هدف نیکی کردن به جامعه انسانی است (چیت‌سازیان و کمال، ۱۳۹۹: ۱). خدمت در جهان سوم بیش از آنکه بار مادی و این جهانی داشته باشد، مفهومی معنوی و آن جهانی یافته است. ایدئولوژیک‌سازی و معنوی‌سازی مفهوم خدمت، مطلوب کارگزاران ایرانی است. درج عبارت «ما تشنگان خدمتیم؛ نه شیفتگان قدرت» در محافل سازمانی / اداری گویای بار معنوی خدمت در میان کارگزاران است. کارهای میدانی و جهادی (با پوشش خاکی رنگ)،

7. S.M. Lipset

نمونه‌تیبیک معنوی‌سازی مقوله خدمت است. بازیگران سیاسی با سواری مجانی بر گرده کلیدواژه خدمت، کمپین انتخاباتی خود را تقویت می‌سازند.

عکس ۲) والریا زیتامیل، نظریه‌پرداز مفهوم خدمت



۴. گستره جغرافیایی فارس

فارس، یکی از پهناورترین استان‌های کشور که متشکل از حوزه‌های انتخاباتی گوناگون است. شمال غربی فارس، نورآباد ممسنی است که به واسطه میزان تعدد دانشجوی در این شهر و خصلت جغرافیای بدن روشنفکر، نخبگان سیاسی و مدیریتی زیادی دارد. این نخبگان، داوطلبی در کارزار انتخاباتی را محملی برای ابراز وجود و نشان دادن توانایی خود می‌دانند از این روست که شرکت در انتخابات برای حصول به قدرت سیاسی در جهت کسب مزایای اجتماعی، دم‌دست‌ترین و سهل‌ترین فرایند سیاسی برای این انسان است. باین حال شواهد نشان می‌دهد که تا کنون، انسان سیاسی این حوزه انتخابیه از مزایای اجتماعی فراوانی برخوردار شده‌اند و فضای جغرافیایی از چنین مزایایی آنطور که بایسته است از توسعه به معنای دی‌ولوپمنت برخوردار نشده است. شاید بتوان گفت ضعف شخصیت نمایندگی در پارلمان و یا نداشتن پشتوانه قوی سیاسی و یا در طرف درست (پروزن) قدرت سیاسی قرار نگرفتن نماینده در طی دوازده دوره انتخابات باعث شده تنها مزایای اجتماعی نصیب نماینده شود و اکثریت جامعه و به خصوص فضای جغرافیایی از چنین بهره‌ای برخوردار نشوند. ورود آن دسته نیروی نخبه سیاسی ورزیده و روشنفکر و انسان‌گرای جغرافیامدار، بدین معنی که در درجه نخست، به معنای واقعی کلمه، انسان سیاسی باشد و قدرت سیاسی و قانون اساسی و نحوه نقش‌آفرینی سیاسی را به درستی و به‌طور

حرفه‌ای بلد باشد، و درثانی، برای حصول به قدرت سیاسی در راستای توسعه‌مندی حوزه انتخابیه و کشور گام بردارد و ثالثاً درکنار توانمندی فردی و جمعی، از قدرت برای حفظ اکوسیستم پایدار استفاده کند مهم است.

نقشه ۱) موقعیت جغرافیایی نورآباد فارس



منبع: (صادقی، ۱۳۹۳: ۲۴)

۵. یافته‌ها

۵-۱. وضعیت داوطلبی نمایندگان نورآباد فارس

ثبت‌نام پیاپی در انتخابات مجلس، مطلوب نمایندگان نورآباد فارس است. این کارگزاران در دوازده دوره انتخابات مجلس بخت خود را در ادوار مختلف آزموده‌اند که گاه برای آنان پیروزی و گاه شکست سنگین را به‌همراه داشته است. باوجوداین، اعلام کاندیداتوری و تأیید صلاحیت ازسوی مراجع ذیربط را صرف‌نظر از کسب هر نتیجه‌ای، لذت‌بخش می‌پندارند. این رویه نمایندگان ادوار بعضاً موجب چیرگی آنان بر پیکره ممسنی و رستم شده، به‌طوری‌که تا دو دهه نام آنان بر سر زبان‌هاست. این وضعیت به‌جامعه دانشگاهی نیز رسوخ پیدا کرده است، به‌طوری‌که برخی از این قشر، فکر کاندیداتوری و تکیه‌زدن به کرسی مجلس را به‌عنوان آمال و آرزوهای خود در سر می‌پرورانند. این باور به افکار عمومی نیز سرایت یافته‌است، به‌گونه‌ای که برخی مشوق نامزدی فرزندان هم‌تبار خود در این کارزار می‌شوند و عده‌ای دیگر با سوءظن به نامزدهای مسند نمایندگی حوزه انتخابیه می‌نگرند. این وضعیت را می‌توان در درجه نخست متأثر از موقعیت ممسنی در پیکره فضایی استان فارس و کلیت کشور تحلیل نمود؛ به‌این‌معنا که شهرستان ممسنی به عنوان «منطقه»‌ای پیرامونی و توسعه‌نیافته

هرگز نتوانسته است همانند همسایگان خود (شیراز، کازرون، بوشهر، یاسوج و گچساران) به یک «جغرافیای سیاسی» تبدیل شود. از این رو، تنها بخت و سکوی پرتاب سیاسی خود را در کرسی پارلمان جستجو می‌کنند. بنابراین این کرسی، خواهان زیادی دارد و نمایندگان ادوار نورآباد فارس، تمام کوشش خود را می‌کنند تا بخت‌آزمایی مجدد نمایند.

جدول ۱) وضعیت نمایندگان ادوار نورآباد فارس

نماینده	ادوار نامزدی	تعداد تأیید صلاحیت	تعداد پیروزی	تعداد شکست
عبدالحسین تژده	بیست و سوم و بیست و چهارم	۲	۲	۰
صمد شجاعیان	اول و دوم	۲	۲	۰
سیدعبدالرسول موسوی	اول، دوم، سوم، چهارم	۴	۱	۳
رضاقلی الهیاری	سوم، چهارم، پنجم، ششم	۴	۱	۳
فریبرز انصاری	چهارم، پنجم	۲	۱	۱
سیدابراهیم امینی	پنجم، ششم، هفتم	۲	۱	۱
علی احمدی	ششم، هفتم، هشتم، یازدهم، دوازدهم	۵	۱	۳ شکست + ۱ انصراف
عبدالرضا مرادی	هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم	۳	۱	۲
نوذر شفیعی	نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم	۲	۱	۱
مسعود گودرزی	نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم	۱	۱	۰
مجید انصاری	نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم	۴	۱	۲ شکست + ۱ انصراف
امید نصیبی	دوازدهم	۱	۱	۰

براساس جدول شماره ۱، داده‌های زیر قابل استنباط و استخراج است:

- از نظر ادوار نامزدی، عبدالرضا مرادی با ۶ دوره در صدر و امید نصیبی با ۱ دوره در قعر قرار دارد.
- از نظر تعداد تأیید صلاحیت، علی احمدی با ۵ دوره در صدر و مسعود گودرزی با ۱ دوره در قعر قرار دارد.^۸
- از نظر تعداد پیروزی در ادوار مختلف انتخابات، عبدالحسین تژده (قبل از انقلاب اسلامی) و صمد شجاعیان (پس از انقلاب اسلامی) با ۲ دوره در صدر و سایر نمایندگان تنها ۱ پیروزی کسب کرده‌اند.

^۸. با توجه به نخستین حضور امید نصیبی در یازدهمین دوره انتخابات، وضعیت صلاحیت وی در ادوار بعد، بهتر مشخص خواهد شد.

- از نظر تعداد شکست، علی احمدی با ۳ شکست و ۱ انصراف در صدر قرار دارد. صمد شجاعیان، مسعود گودرزی و امید نصیبی هیچ‌گونه شکستی را متحمل نشده‌اند. باوجود این، صرفاً تژده و شجاعیان در این آزمون سربلند بوده‌اند و سنجش پیروزی یا شکست گودرزی و نصیبی به وضعیت صلاحیت آنها در ادوار آینده انتخابات بستگی خواهد داشت.

۵-۲. مزایای اجتماعی کاندیداتوری نورآباد فارس

۵-۲-۱. شهرت؛ نیروی محبوب داوطلبین

شهرت^۹ زیربنای تحرکات انسان‌ها در اجتماعات سنتی و عشیره‌ای است. این‌شناسه در دوره حکمرانی خوانین و کدخداها بر ساختار ایلی ممسنی، مبتنی بر نمایش توانمندی‌های سلحشوران در فتح قلمروها و ظفر در جنگ‌های طایفه‌ای بود. پس از اصلاحات ارضی و سقوط خوانین از رأس هرم ایلی، زمینه ابراز وجود کنشگران سیاسی در ممسنی فراهم شد. نقش‌آفرینی «عبدالحسین تژده» به‌عنوان فرماندار ممسنی و متعاقباً دو دوره نمایندگی متوالی این شهرستان در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۷ ه.ش را می‌توان سرآغازی بر تغییر در ماهیت شناسه شهرت از روحیه سلحشوری به کنش‌گری عقلایی قلمداد نمود. اگرچه طی این دوره، رویکرد مدرنیزاسیون زمینه خلق شهرت برای کارگزاران و نماینده وقت ممسنی شد، اما در بدو پیروزی انقلاب اسلامی، مقوله شهرت با کاریزمای نامزدها گره خورد. کنش‌گری آیت‌اله خمینی به‌عنوان رهبری کاریزماتیک در مقیاس کلان که انقلاب ۵۷ را به پیروزی رسانید، روح کاریزمادوستی را در میان توده‌ها افزایش داد. از این رو، نورآباد فارس در مقیاس محلی نیز تحت‌تأثیر کاریزمای بازیگران سیاسی قرار گرفت و کسب شهرت نامزدها در ساختار ایلی با میزان کاریزمای آنها گره خورد. از این حیث، ستاره درخشان آسمان ممسنی کسی نبود جز **صمد شجاعیان** نامزد نخستین و دومین دوره انتخابات مجلس. اگرچه کاریزمای شجاعیان رها و دستمال پنج‌رنگ ایل به‌دست با دو دوره^{۱۰} پیروزی متوالی زمینه شهرت چشمگیر وی در سپهر انتخابات و جامعه ممسنی شد و او را به «**آس توده‌ها**» تبدیل نمود، اما کناره‌گیری وی از ادامه بازی تاج‌وتخت^{۱۱} با سیدعبدالرسول موسوی به‌مثابه رقیب ایدئولوگ و بنیادگرا، مانع از هت‌ریک شجاعیان در این کارزار شد. از این برهه زمانی، **بورو کراسی** مبنای شهرت انتخاباتی نامزدها شد. بدین‌معناکه دیوانسالاری در نهادهای مدیریتی ممسنی بر مبنای اندیشه‌های دینی

^۹. reputation

^{۱۰}. منظور از دستمال پنج رنگ، پنج طایفه ممسنی (دشمن‌زیاری، جاوید، ماهور میلانی، بکش، رستم) هستند که به پاس کاریزمای صمد شجاعیان فقید، این سمیرغ بلورین از سوی نگارندگان این اثر به او اعطا شده است.

^{۱۱}. Game of Thrones

/ مذهبی بنیادگرایانه در دوره نمایندگی سید عبدالرسول موسوی به اوج رسید. اما چهار دوره کاندیداتوری موسوی برپایه این اصول نتوانست استمراربخش شهرت برای او باشد. از این رو حوزه انتخابیه ممسنی پس از سه تغییر جهش در شناسه شهرت (مدرنیزاسیون تژده قبل از انقلاب ۵۷، کاریزمای شجاعیان در بدو انقلاب اسلامی، بوروکراسی و بنیادگرایی دینی / مذهبی موسوی در دهه اول انقلاب)، سرانجام ارزش‌های طایفه‌ای را وارد مدار انتخابات نمود.

براین اساس، کارزار انتخابات با ابراز وجود بازیگران سیاسی نام‌آور هر طایفه عجین شد و نمایندگان ادوار چهارم تا یازدهم (الهیاری، انصاری، امینی، احمدی، مرادی، شفیعی، گودرزی، انصاری) با کاندیداتوری‌های متوالی، شناسه شهرت را از دریچه تنگ **طایفه محوری** در توزیع منابع قدرت و ثروت دنبال نمودند، اما تک دوره‌ای شدن آنها نشان داد که استمرار شناسه شهرت بر مبنای تمایلات طایفه‌ای و یا بوروکراسی دینی / مذهبی چندان امکان‌پذیر نیست، بلکه اتخاذ رویکردهای مدرنیزاسیون (تژده) و کاریزماتیک (شجاعیان) از سوی نمایندگان ادوار ممسنی بهتر می‌تواند پیروزی مجدد و استمرار شهرت را برای‌شان رقم زند. هر چند نمایندگانی هم‌چون **علی احمدی و عبدالرضا مرادی** رویکرد **مدرنیزاسیون** و بعضاً «**تکنوکراتیک**» را نیز در دستورکار قرار دادند، اما کنش‌گری بر طبق گرایش‌های طایفه‌ای مانع از دگرذیسی کامل در خط‌مشی آنها شد و نهایتاً وزن ارزش‌های طایفه‌ای بر رویکردهای مدرنیزاسیون و تکنوکراتیک چربید، به نحوی که همین مسئله به پاشنه آشیل آنها تبدیل و مانع از تکرار پیروزی‌شان طی ادوار بعد شد. افزون‌براین، گرایش‌های **حزبی** (جبهه اصلاحات) **سیدابراهیم امینی و مسعود گودرزی** نتوانست به جریان اصلی حاکم بر ادوار ششم و دهم حوزه انتخابیه ممسنی و رستم تبدیل شود، بلکه به عنوان عامل فرعی در کنار ارزش‌ها و باورهای طایفه‌ای (عامل اصلی) نقش ایفاء کرد. ضمن آنکه سخن به میان آوردن از **سرمایه اجتماعی و کاریزمای امید نصیبی** مستلزم طی شدن دوره نمایندگی وی و میزان اقبال توده‌ها به او در دور بعدی انتخابات است؛ چراکه شالوده رأی نصیبی در وهله اول مبتنی بر پایگاه رأی سنتی (طایفه‌ای) بوده است. نمایندگان اهل رستم (رضاقلی الهیاری، فربرز انصاری و مجید انصاری) نیز از پایگاه رأی طایفه‌ای برخوردار بوده‌اند و شهرت خود را از این رهگذر دنبال نموده‌اند.

جدول ۲) مبنای شهرت انتخاباتی نمایندگان ادوار نورآباد فارس

نماینده	دوره نمایندگی	مبنای شهرت
عبدالحسین تژده	پهلوی دوم (بیست و سوم و بیست و چهارم)	مدرنیزاسیون
صمد شجاعیان	اول و دوم	کاریزما
سیدعبدالرسول موسوی	سوم	بنیادگرایی دینی / مذهبی / حکومتی
رضاقلی الهیاری	چهارم	بنیادگرایی طایفه‌ای / ادبی
فریرز انصاری	پنجم	بنیادگرایی طایفه‌ای / الهیاتی
سیدابراهیم امینی	ششم	بنیادگرایی طایفه‌ای / محافل حزبی
علی احمدی	هفتم	بنیادگرایی طایفه‌ای / محافل حکومتی
عبدالرضا مرادی	هشتم	بنیادگرایی طایفه‌ای / حامی‌پروری
نوذر شفیعی	نهم	بنیادگرایی طایفه‌ای / محافل رسانه‌ای
مسعود گودرزی	دهم	بنیادگرایی طایفه‌ای / محافل حزبی
مجید انصاری	یازدهم	بنیادگرایی طایفه‌ای / محافل حکومتی
امید نصیبی	دوازدهم	بنیادگرایی طایفه‌ای / مردم‌دوستی

۲-۲-۵. قدرت؛ نیروی انگیزش داوطلبین

اگرچه نمایندگان ادوار ممسنی و رستم، کسب شهرت انتخاباتی را در ادوار مختلف دنبال نموده‌اند، اما یکی از راهبردی‌ترین عوامل موثر بر کاندیداتوری مجدد این نمایندگان را می‌توان شناسه «قدرت» قلمداد نمود. باتوجه‌به اینکه قدرت به معنای توانایی و استعداد نمایندگان ادوار برای انجام کار و اعمال اراده بر افراد دیگر به منظور ایجاد رفتار دلخواه خویش است، نبرد انتخابات محلی بهتر از هر حوزه دیگری می‌تواند سکوی پرتاب آنها باشد. از این رو بهره‌گیری از آشکال اجباری، نهادی، ساختاری، مولد، منابع مادی (بسیج توده و توان فیزیکی) و معنوی قدرت (هویت / تبار / فرهنگ) در ابراز وجود انتخاباتی نمایندگان نقش کلیدی داشته است. کالبدشکافی قدرت‌دوستی نمایندگان ادوار نشان می‌دهد که گاه منابع جریانی / حزبی / دولتی / حکومتی / امنیتی / نظامی، بعضاً منابع الهی / دینی / مذهبی، برخی منابع ادبی / کلامی / رسانه‌ای و عمدتاً مقبولیت مردمی / تباری / طایفه‌ای الهام‌بخش آنان در پیکارهای انتخاباتی بوده است. از این حیث، قوی‌ترین منبع قدرت عبدالحسین تژده به عنوان نماینده دو دوره شهرستان ممسنی قبل از انقلاب ۵۷، دولت مرکزی (پهلوی دوم) بوده است. هرچند تژده از مقبولیت مردمی برخوردار بود، اما جنس قدرت او از نوع نظامی / آمرانه / اقتدارگرایانه

بود. همین پشوانه محکم حکومتی در پیشبرد پروژه مدرنیزاسیون شهر نورآباد (نوسازیِ دستوری از بالا) نقش شگرفی داشت. تولید و بازتولید قدرت تژده در قامتِ فرماندار ممسنی و اعلامِ کاندیداتوری‌های پیاپی در انتخابات مجلس را می‌توان مرهون برخورداری هم‌زمان او از منابع قدرت حکومتی و مقبولیت مردمی دانست. در بدو پیروزی انقلاب ۵۷، بازی قدرت میان احزاب اسلامی، ملی‌گرا و چپ مارکسیستی در نوسان بود که نهایتاً احزاب اسلامی با چیرگی بر سایر احزاب به بازیگر اصلی تبدیل شدند. در مقیاس محلی، صمد شجاعیان به عنوان چهره‌ای مینیمال‌زیست و نوع‌دوست، بیش از آنکه وامدار بازیگران حکومتی در مقیاس کلان قدرت باشد، برگ برنده خود را در میان توده‌ها جستجو می‌نمود. همین **توده‌گرایی** شجاعیان حکم به پیروزی وی داد تا با مقبولیت مردمی مجدداً در کارزار انتخابات قد علم کند و دَبل نماید. در مجموع، «صمد فقید هرکه بود و هرچه کرد؛ نه جادو بود و نه جمیل؛ بلکه قدرتش برآمده از رهایی در لابلای بلوط‌های عاشق‌راشک و شوخ‌طبعی با مردمان تشنه شادزیستی بود؛ درود بر اولوهیت باطنش. روح و تبارش جاوید؛ نام و یادش جاویدان».

در این میان سیدعبدالرسول موسوی، سومین نماینده ممسنی را می‌توان برساننده دو جبهه متخاصم «صمدی» و «موسوی» در حادثه ۸ آذر ۱۳۵۹ قلمداد نمود. میلِ قدرت‌دوستی موسوی حکومتی / ایدئولوژیک که برآمده از محافل رسمی و غیررسمی در عالی‌ترین سطح قدرت بود را می‌توان به‌عنوان عامل کلیدی در اعلامِ کاندیداتوری‌های پیاپی در تقابل با صمد شجاعیان دانست. دلگرمی موسوی به پشوانه قدرت حکومتی در برابر مشروعیت مردمی شجاعیان، انصراف داوطلبانه شجاعیان از ادامه کارزارهای انتخاباتی را به‌همراه داشت تا موسوی رادیکال یک‌ه‌تاز میدان شود. هرچند موسوی داعیه استمرار حکمرانی و حاکم‌گت کردن دیگران را در سر می‌پرورانید، اما خستگی توده‌ها از تندروی‌های او، زمین بازی را تغییر داد. زمین جدید نیز تم بنیادگرایی داشت، با این تفاوت که از جنس تمایلات طایفه‌ای بود؛ و نه مبانی ایدئولوژیک حکومتی. از این رو در چهارمین دوره انتخابات، موسوی (بکش) قافیه را به رضاقلی الهیاری (رستم) در رقابتی طایفه‌ای باخت و قدرت‌دوستی موسوی که بیش از یک دهه حیات اجتماعی ممسنی را زیرسلطه خود داشت، در همین مرحله مهار و پایان یافت. الهیاری نیز همانند موسوی به‌طور مداوم اعلام نامزدی نمود تا پایه‌های قدرت خود را به‌واسطه خط‌مشی آموزشی / ادبی و پشوانه تباری / طایفه‌ای مستحکم کند، اما نه الهیاری، شجاعیان بود و نه ملاحظات طایفه‌ای و نه آراء سلبی (نه به موسوی) بیش از این هموارکننده پیروزی‌های مجدد نمایندگان ادوار. هرآنچه برجای ماند،

میل به قدرت دوچندان بود که الهیاری را از عرش به فرش تنزل داد، به طوری که حتی در مقابل هم تباران رستمی خود (فریبرز انصاری در دور پنجم و ظفر افشون، خَسی الهیاری در دور ششم) شکست خورد.

فریبرز انصاری، نماینده دور پنجم را می توان پس از صمد شجاعیان، کم حرص و جوش ترین بازیگر انتخاباتی نامید. وی در یک کارزار انتخاباتی میلی متری با کمک جغرافیای قدرت و رأی دهندگان هم طایفه ای ساکن در گچساران و باشت و یاسوج توانست منوچهر قانیدی سرشناس را شکست دهد. این دوره (پنجم)، حوزه انتخابیه ممسنی، **جغرافیای انگیزش** به معنای واقعی کلمه کارزار انتخاباتی بود که در صورت پیروزی منوچهر قانیدی هرگز تبدیل به **جغرافیای سکوت** نمی شد. اساساً معمای قدرت انصاری بر بنیادگرایی طایفه ای (تیره پررأی دهتینی) و پشتوانه الهیاتی / دینی استوار بود. کنش تاریخی جاویدی ها در دومین مرحله دور چهارم به همان اندازه که حکم به پیروزی الهیاری رستم تبار در مقابل موسوی بکش تبار داد، به همان اندازه نیز کنش تاریخی بکش ها در دومین مرحله انتخابات دور پنجم حکم به پیروزی فریبرز انصاری رستم تبار در مقابل منوچهر قانیدی جاوید تبار داد. روی هم رفته، هموردی طوایف جاوید و بکش در مقابل یکدیگر (طی ادوار چهارم و پنجم)، قلمرو رستم را پیروز میدان ممسنی تبدیل کرد. اما انصاری به همان سرعت که از دور چهارم وارد گوی انتخابات شده بود، با همان سرعت نیز در دور ششم خود را از بازی خارج ساخت تا پرونده قدرت دوستی او همین جا مختومه شود.

با ظهور سیدابراهیم امینی در صحنه پیکار انتخابات، رقابت های سخت طایفه ای بر سر قدرت بیش از پیش عیان شد. نامزدهای سنگین وزن یکی پس از دیگری ابراز وجود نمودند، اما امینی به واسطه **بالاترین** میزان مشارکت تاریخ انتخابات نورآباد فارس در دور ششم (۱۱۱/۱ درصد)، علی پارسایی اهل دشمن زیاری را به زانو درآورد. اگرچه **پشتوانه حزبی / دولتی** (جریان اصلاحات) نیز مبنای قدرت امینی بود، اما همین مسئله به پاشنه آشیل وی در دور هفتم شد؛ چراکه نتوانست از **هزارتوی درون** عبور کند. به طور کلی از این دوره بود که «کارزار انتخاباتی» در نورآباد فارس تبدیل به «پیکار انتخاباتی» شد.

از این رو، بازیگری هم چون علی احمدی جریانی / حکومتی که از حمایت همه جانبه جغرافیای قدرت از یکسو و پایگاه رأی سترگ طایفه ای از سوی دیگر برخوردار بود، به تدریج در دور ششم ظهور کرد و در دور هفتم با بسیج حداکثری منطقه جاوید، نامزدهای قلمرو رستم (قدرت اله میرفردی و سیدجعفر هاشمی) را درهم کوبید. تلاش احمدی برای یکه تازی در ژئوپلیتیک ممسنی، اعلام کاندیداتوری مجدد او در دور هفتم را به دنبال داشت، اما ناگهان جوش و خروش طایفه ای بکش ها عرصه را چنان بر احمدی تنگ کرد که توانمندترین نماینده ممسنی

و رستم محتمل شکست و از گردنه رقابت خارج شد. برونداد این رهاورد تاریخی، پیروزی ماجراجوترین بازیگر جغرافیای بکش بود. این بازیگر تاریخ‌ساز کسی نبود جز عبدالرضا مرادی. «عبد خدا، عبد دل‌ها، شکارچی بودجه، امیرکبیر، رفیق‌گرا و جزاینها» همگی اتیکت‌هایی بودند که به مرادی الصاق شدند تا گاه اشک و گاه لبخند را بر گونه‌های بکش‌ها ساری‌وجاری سازد. مرادی نه از گزند دولت محلی بیم داشت و نه از رقابت‌های سهمگین طایفه‌ای؛ بلکه تنها یک رقیب داشت: «مراجع بررسی صلاحیت‌ها». اعلام شش دوره کاندیداتوری متوالی (از دور هفتم تا دوازدهم) و کسب سه تأیید صلاحیت در برابر سه رد صلاحیت، جملگی دال بر فرازونشیب صلاحیت مرادی است. عاقبت هیچگاه و هیچکس نفهمید که مرادی آخرسر صلاحیت دارد یا خیر! قدرت‌دوستی مرادی جریانی / دولتی / قضایی به‌اندازه‌ای است که حتی در صورت غیبت در کارزارها، سرنوشت انتخابات را گاه به‌نفع یکی و به‌ضرر دیگری تغییر داده است. حمایت تمام‌عیار مرادی از فرهام امیری نامزد اهل بکش دور دوازدهم به‌همان‌اندازه که پایگاه رأی سستی (طایفه‌ای) ابوذر رشیدی، دیگر نامزد منطقه بکش را سست و شکننده ساخت، به‌همان‌اندازه هم حکم به پیروزی امید نصیبی (جاوید) داد. شایان‌دقت است که پس از عبدالرضا مرادی، علی احمدی (قلمرو جاوید) دومین اکتیویست انتخاباتی به لحاظ تعداد دفعات کاندیداتوری (پنج دوره) است. اگرچه احمدی پس از سه دوره حضور متوالی (ششم، هفتم و هشتم) در نبرد انتخابات، به تدریج سیاست صبر و سکوت را اتخاذ نمود، اما ظهور وی دیری نپایید و پس از تغییر حوزه انتخابیه خود به ممسنی در یازدهمین دوره انتخابات در دقایق پایانی وارد رقابت با مجید انصاری (طایفه رستم) شد، اما نه جاوید دهه نود، آن جاوید پگاه‌خیز یکپارچه دهه هشتاد بود و نه رستم، آن رستم متزلزل پیشین. بنابراین شکست احمدی به‌وقوع پیوست و در دور دوازدهم نیز نهایتاً از داوطلبی حوزه انتخابیه تهران انصراف داد. هرچند پیروزی امید نصیبی جاویدتبار مرهمی بود بر زخم‌های احمدی، اما احمدی برعکس مرادی در یکجا همیشه پیروز بود: «شورای نگهبان». پنج دور تأیید احمدی گواه این امر است.

نوذر شفیعی نماینده دورنهم را می‌توان یکی خوش‌بخت‌واقبال‌ترین نمایندگان ادوار ممسنی دانست؛ چراکه به‌محض اعلام داوطلبی، وضعیت صلاحیت نامزدها به‌گونه‌ای رقم خورد که او به تک نامزد قلمرو بکش تبدیل شد. به‌طورکلی، منبع قدرت شفیعی چندوجهی بود: رسانه، مطبوعات، دانشگاه، نهادهای امنیتی و سرشت طایفه‌ای. براین پایه، شفیعی توانست با تمهید همه‌جانبه بادیگارد‌ها و چریک‌های فدایی خلق بکش، سعید قائدی (جاوید) و مجید انصاری (رستم) را شکست دهد. اما وکیل‌الدوله بودن او (حمایت از دولت‌های احمدی‌نژاد و سپس روحانی) دوام چندانی نداشت؛ چراکه در دهمین دوره انتخابات نه از بالا (دولت روحانی و سایر

نهادهای غیررسمی) و نه از پایین (قلمرو بکش) حمایت چندانی نشد. ازاین‌رو پایگاه رأی او دچار ریزش و سبد رأی وی میان سایر نامزدهای بکش توزیع شد. کاندیداتوری شفیع در یازدهمین دوره انتخابات با سبد محکم شورای نگهبان مواجه و در حوزه انتخابیه شیراز ردصلاحیت شد. براین اساس، شفیع اتوکشیده، خوش بیان، دولت‌دوست، قدرت‌طلب، خشک و نجسب هم ازسوی دولت مرکزی و هم ازسوی باشندگان نورآبادی بلاک شد تا ناکامی‌های این استاد افغان‌پژوه دانشگاه تهران تکمیل گردد.

مسعود گودرزی، دهمین نماینده این قلمرو سیاسی از همان دور نهم کوس نبرد را به‌صدا درآورد، اما ردصلاحیت در این دوره زمینه تجمیع نیروی وی برای انفجار بزرگ در دور دهم شد. ازاین‌رو، مسعود گودرزی تحت لوای دولت اعتدال‌گرای روحانی و اصلاح‌طلبی عارف و امینی در نبرد انتخابات ابراز وجود نمود. آمادگی تمام‌سطوح نیروی انسانی تیره بوان در ائتلاف با رأی‌دهندگان جاوید، گودرزی را به‌عنوان بخت‌نخست انتخابات روانه مرحله دوم ساخت تا مرادی بکش و اصولگرا را در رقابتی نفس‌گیر متلاشی کند. درواقع تنها گروهی که می‌توانست و توانست بر حامیان و کمپین انتخاباتی مرادی که سالیان سال بود کارزار انتخاباتی را به سود خود تغییر می‌دادند، پیروز شود، نیروی سیاسی بوان بود. هرچند ردصلاحیت گودرزی در ادوار یازدهم و دوازدهم مانع از آزمون مجدد او شد، اما قدرت‌طلبی این بازیگر حزبی / دولتی در بدنه راهبردی‌ترین وزارتخانه (وزارت کشور) تحت لوای دولت وفاق ملی پزشک‌پژوهان در جریان است و هرگونه چراغ سبز جغرافیای قدرت می‌تواند مجدداً او را بخت نخست این حوزه انتخابیه طی ادوار آتی تبدیل نماید. دوردهم انتخابات همانند دور پنجم جغرافیای انگیزش بود و لبریز از تکاپوی سیاسی، بااین تفاوت که در دور پنجم حق‌به‌حق‌دار نرسید.

مجید انصاری یازدهمین نماینده این سامان، طی سه دوره متوالی (نهم، دهم و یازدهم) در نبرد انتخابات حضور یافت و سرانجام در دور یازدهم به پیروزی دست یافت. بن‌مایه قدرت انصاری عبارت‌انداز: یکی، دهتینی بودن و دیگری، جریانی / حکومتی / ولایی / امنیتی بودن. تیره دهتینی یکی از نامزدخیزترین گروه‌های انتخاباتی است که افزایش چگالی و همبستگی آن کمک شایانی به پیروزی انصاری در دور یازدهم داد. نمی‌توان هم‌راستایی و هم‌آوایی انصاری با دستگاه‌های قدرت و امنیتی را در پیروزی وی نادیده انگاشت؛ چراکه در دور یازدهم به‌عنوان تنها نامزد اهل رستم (البته به‌دلیل عدم کاندیداتوری سیدیداله حسینی و انصراف عباسیان کم‌وزن) ابراز وجود نمود و علی‌احمدی، نامزد پروزن جاوید را زمین‌گیر نمود. هرچند ردصلاحیت / انصراف انصاری در دور دوازدهم مانع از استمرار دوران نمایندگی وی شد، اما در همان‌روز معارفه امید نصیبی (نماینده

دور دوازدهم)، برای او و سایر نامزدها، ژست حضور مجدد گرفت تا خواهان قدرت خود را برای آینده نه چندان دور به منصه ظهور گذارد.

فرجام، امید نصیبی برای نخستین بار در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس ابراز وجود نمود. نصیبی با پشتوانه جریانی / امنیتی / نظامی از یکسو و پایگاه رأی طایفه‌ای و فراطایفه‌ای / مردمی ازسوی دیگر به عنوان دوازدهمین نماینده ممسنی و رستم برگزیده شد. روی هم رفته میزان دفعات کاندیداتوری نصیبی در آینده میتواند سطح قدرت دوستی و منصب دوستی او را عیان سازد.

جدول ۳) مبنای قدرت انتخاباتی نمایندگان ادوار نورآباد فارس

نماینده	دوره نمایندگی	مبنای قدرت
عبدالحسین تژده	پهلوی دوم (بیست و سوم و بیست و چهارم)	حکومتی / نظامی و مقبولیت توده‌ای
صمد شجاعیان	اول و دوم	مقبولیت توده‌ای
سید عبدالرسول موسوی	سوم	حکومتی / ایدئولوژیک
رضاقلی الهیاری	چهارم	آموزشی / ادبی و تباری / طایفه‌ای
فربرز انصاری	پنجم	الهیاتی / دینی و تباری / طایفه‌ای
سید ابراهیم امینی	ششم	حزبی / دولتی و تباری / طایفه‌ای
علی احمدی	هفتم	جریانی / حکومتی و تباری / طایفه‌ای
عبدالرضا مرادی	هشتم	جریانی / دولتی / قضایی و تباری / طایفه‌ای
نوذر شفیعی	نهم	جریانی / دولتی / امنیتی / رسانه‌ای / آکادمیک و تباری / طایفه‌ای
مسعود گودرزی	دهم	حزبی / دولتی و تباری / طایفه‌ای
مجید انصاری	یازدهم	جریانی / حکومتی / ولایی / امنیتی و تباری / طایفه‌ای
امید نصیبی	دوازدهم	جریانی / امنیتی / نظامی و تباری / طایفه‌ای

۳-۲-۵. ثروت؛ نیروی حیات بخش داوطلبین

ثروت از دیگر مزایای اجتماعی به شمار می رود که زمینه نبردهای سهمگین بازیگران سیاسی جهت کسب مجدد کرسی مجلس شده است. چنبره بر منابع ثروت به اندازه‌ای برای این بازیگران ارزشمند است که بعضاً از هر وسیله‌ای جهت دستیابی به آن سود می جویند. اگرچه پشتوانه مالی عبدالحسین تژده در کارزارهای انتخاباتی

را می‌توان برگرفته از مستمری دولتی قلمداد نمود، اما بررسی دوازده دوره انتخابات در سطح مجلس در این حوزه انتخابیه پس از انقلاب ۵۷ نشان می‌دهد که رُخ‌نگاره تباری / هویتی به‌تدریج به‌سوی کشمکش بر سر تخصیص ردیف اعتبارات، پروژه‌ها و طرح‌های نوسازی برای زادبوم خویش سوق یافته است، به‌طوری‌که برخی بازیگران انتخاباتی از «شیفتگی خدمت» به سوی «تشنگی ثروت» تغییر جهت داده‌اند. حقوق بالا، منازل بهینه، خودروهای باکیفیت، امتیاز شرکت‌ها و هیأت علمی دانشگاه، ازجمله مصادیق ثروت‌پروری این بازیگران به‌شمار می‌رود.

بررسی ادوار اول تا سوم انتخابات نشان می‌دهد که درون‌مایه مبارزات انتخاباتی جبهه «صمدی» و «موسوی» را تعارضات ایدئولوژیک و کسب منابع قدرت تشکیل می‌داد. باوجوداین، مبنای ثروت نمایندگان این ادوار عمدتاً بن‌مایه‌ای سرمایه‌دارانه نیز داشت. راه‌اندازی مزرعه پرورش چارپایان، گویای ثروت و سرمایه آنها بود؛ چراکه این نمایندگان تاحدودی دوست‌دار حفظ ارتباطات خود با زیست ایلایاتی بودند که زمانی آن را قبل از اصلاحات ارضی تجربه کرده بودند. خلاصه، این فعالان از «رعیت» قبل از انقلاب اسلامی به «خرده بورژواهای» پس از انقلاب تبدیل شدند، باین تفاوت که شجاعیان، شخصیتی کمینه‌گرا، اما موسوی، شخصیتی متمول‌زیست بود. سرجمع؛ شجاعیان با خصیصه منیمال‌زیست در جستجوی خویشتن از سومین کارزار انتخابات کناره‌گیری کرد، اما موسوی در جستجوی خدا، چهار دور متوالی (ادوار اول تا چهارم) را به جولانگاه سیاسی / اقتصادی خود تبدیل نمود.

چهارمین و پنجمین دوره انتخابات با هویت تباری گره خورد، به‌طوری‌که رضاقلی الهیاری و فربرز انصاری با پشتوانه آراء سترگ طایفه‌ای و آراء سلبی (نه به این و آن) به پیروزی دست یافتند. هرچند این دو نماینده اهل رستم از آموزه‌های فرهنگی و الهیاتی در گفتمان خود سود می‌جستند و کمتر دم از اندوخته‌های دنیوی و این‌دنیایی می‌زدند، اما از شالوده نسبتاً سترگ فئودالی (اراضی زراعی) برخوردار بودند. فئودالیت ادبی الهیاری در برابر فئودالیت الهیاتی انصاری بستر ساز چهار دوره کاندیداتوری پیاپی الهیاری در رقابت‌های انتخاباتی شد.

طی ششمین تا دوازدهمین دوره انتخابات نه‌تنها گرایش‌های تباری / طایفه‌ای در پیکارهای انتخاباتی شدت یافت، بلکه برخورداری در راستای بازاریابی رأی از نقاط دورافتاده اوج گرفت. براین‌پایه، سیدابراهیم امینی با اسپانسر حزبی / دولتی (جریان اصلاحات)، علی احمدی با حمایت جغرافیای قدرت (جریان حکومتی)، عبدالرضا مرادی با حمایت متمولین فئودال، سرمایه‌داران آنومیک و تالاردارها، نوذر شفیعی با پشتوانه رسانه‌ای،

مسعود گودرزی با پشتوانه حزبی / دولتی (جریان اصلاحات)، مجید انصاری با برخورداری از نهادهای مدیریتی و امید نصیبی با حمایت نهادهای قدرت از منابع برخوردار شدند و با همین منابع مالی در ادوار مختلف انتخابات اعلام کاندیداتوری نمودند. شش دوره داوطلبی مرادی، پنج دوره نامزدی احمدی و چهار دوره کاندیداتوری شفیعی، گودرزی و انصاری صرف نظر از تأیید یا رد صلاحیت آنها گویای پول‌پاشی این نامزدهای انتخاباتی است.

جدول ۴) مبنای ثروت انتخاباتی نمایندگان ادوار نورآباد فارس

نماینده	دوره نمایندگی	مبنای ثروت
عبدالحسین تژده	پهلوی دوم (بیست و سوم و بیست و چهارم)	مستمری گیر دولتی
صمد شجاعیان	اول و دوم	خرده‌بورژوازی مینیمال‌زیست
سید عبدالرسول موسوی	سوم	خرده‌بورژوازی متمول
رضاقلی الهیاری	چهارم	فئودال ادبی
فریبرز انصاری	پنجم	فئودال الهی
سیدابراهیم امینی	ششم	اسپانسر حزبی / دولتی
علی احمدی	هفتم	حمایت جغرافیای قدرت
عبدالرضا مرادی	هشتم	متمولین فئودال، سرمایه‌داران تالاردار
نوذر شفیعی	نهم	حمایت رسانه‌ای
مسعود گودرزی	دهم	اسپانسر حزبی / دولتی
مجید انصاری	یازدهم	پشتوانه امنیتی / اطلاعاتی
امید نصیبی	دوازدهم	حمایت امنیتی / نظامی

۵-۲-۴. خدمت؛ گفتمان پوپولیستی گانگسترهای قدرت

کلیدواژه خدمت، مطلوب کارگزاران نورآبادی است. کمتر کارگزاری است که خود را شیفته خدمت (و نه تشنه قدرت) نداند. برخی از نمایندگان با استناد به همین کلیدواژه برای ادوار پیاپی انتخابات مجلس اعلام کاندیدتواری نموده‌اند. بررسی عملکرد این نمایندگان از حیث میزان خدمت به شهرستان‌های ممسنی و رستم نشان می‌دهد که هرکدام از آنها برداشت خاصی از مفهوم خدمت داشته‌اند و براساس ذهنیت خاص خود خدمات‌رسانی کرده‌اند. اگرچه افکار عمومی نورآبادی‌ها عمدتاً مبتنی بر ضعف خدمت‌رسانی کارگزاران خود

به‌ویژه نمایندگان مجلس است، اما به‌نظر می‌رسد هریک از این نمایندگان تاحدودی، برخی خدمات را نصیب توده‌ها ساخته‌اند.

در این چارچوب، عبدالحسین تژده به‌مثابه فرماندار شهر نورآباد و نماینده دو دوره پیایی ممسنی نزد عموم مردم به‌عنوان عملگرا و خوش‌نام‌ترین کارگزاران قبل از انقلاب اسلامی شناخته می‌شود. سنگ‌بنای شهر نورآباد و روابط اجتماعی درخور تژده با عموم مردم، راز ماندگاری او در تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی ممسنی است. خدمات‌رسانی تژده به ماوارء ممسنی یعنی بویراحمد نیز به‌اندازه‌ای درخشان بوده که محمد بهمن‌بیگی فقید، پدر تعلیمات عشایری ایران هنگام بازدید میدانی از بویراحمد، جویای بهترین کارگزار خادم ملت از مردم شد؟ همگان یک‌دل و یک‌صدا نام تژده را بر زبان راندند که منجر به امضاء نامه‌ای دسته‌جمعی از سوی بهمن‌بیگی و بویراحمدی‌ها خطاب به تژده مبنی بر رضایت‌خاطر مردم منطقه از وی شد. دو دوره‌ای شدن تژده به‌عنوان نماینده ممسنی خود‌گویای خدمات‌رسانی او به این سامان بوده است. روی‌هم‌رفته، این دوره را می‌توان «عصر **نوسازی / مدرنیزاسیون**» ممسنی نامید.

پس از انقلاب ۵۷، کلیدواژه «خدمت» به سرخط خبرهای انقلابیون تبدیل شد، به‌طوری‌که انسان‌ها، هدف خدمت به هم‌نوعان را در سر می‌پروراندند. در چنین موقعیتی، شجاعیان مردم‌دوست وارد گوی رقابت‌های انتخاباتی شد و طی دو دوره حضور متوالی راهی پارلمان شد. عشقِ صمد و مردم؛ معرفتی بود دوجانبه. کمتر محفلی بود که شوخ‌طبعی و خوش‌رویی شجاعیان را به خود نبیند؛ چراکه رهایی صمد از جنس خویشتن و نام نیک بود. هرچند پُتک گران‌کوویدنوزده بر سر صمد فرود آمد و او را از جهان فانی راهی جهان باقی نمود، اما نامش همانند طایفه‌اش جاوید، در تاریخ جاویدان شد. حضور هزاران انسانِ ممسنی در روز خاکسپاری صمدِ فقید خود‌گویای خدمت او بود و بس. از سوی دیگر، سیدعبدالرسول موسوی از جمله نمایندگان بود که با رقم‌زدن حادثه ۸ آذر ۱۳۵۹ کام ممسنی‌ها را تلخ‌تر از زهر کرده بود. هرچند موسوی زمین و زمان را بهم دوخت و از قضا پیروز دور سوم شد، اما چندان لذت‌بخش نبود. اعتماد دوباره مردم به موسوی برای سکنداری مجلس چهارم از دست رفت؛ چراکه خدمت گسترده‌ای از او در ذهن انسانِ ممسنی ثبت نشد. هرآنچه از او در دل و ذهن پابرجای ماند؛ غم‌بارگی بود و نفرت از بوروکراسی امنیتی / سازمانی / گزینشی / پادگانی او. روی‌هم‌رفته، ادوار اول تا سوم انتخابات در نورآباد فارس را به واسطه تضارب افکار و اندیشه‌های متعارض اسلامی، ملی‌گرا و مارکسیستی می‌توان «عصر **ایدئولوژیک**» ممسنی نامید.

رضاقلی الهیاری و فریبرز انصاری به عنوان چهارمین و پنجمین نمایندگان ادوار، بخت خود را طی چندین دوره آزمودند. هرچند انصاری خیلی زود، عطای مجلس را به لقایش بخشید، اما الهیاری که خواهان قدرت بود، چهار دوره متوالی در این کارزار ابراز وجود کرد. درحالی که مبنای خدمت الهیاری در الفاظ ادیبانه و آموزشی قابل ردیابی بود، بن مایه خدمات انصاری سرشتی الهی / آن جهانی داشت. باوجوداین، تم بوروکراسی ایلی / طایفه‌ای در این ادوار زمینه آغاز «عصر دهتینی‌زه شدن» ممسنی شد و خدمت درمعنای حمایت از زادبوم و باشندگان سامان خود تعریف شد. این نوع الگوی خدمات‌رسانی طایفه‌ای طی ادوار ششم تا دوازدهم شدت یافت، به‌طوری که هریک از نمایندگان ادوار بیشترین خدمات‌رسانی مادی را به قلمرو و زیستگاه خود نمودند. سیدابراهیم امینی به‌مثابه ششمین نماینده، به‌عنوان انسان حزبی / جناحی، خدمت را در معنای دگراندیشی در مقیاس ملی و بوروکراسی طایفه‌ای در مقیاس محلی بازتعریف نمود. ازاین‌حیث، عصر رکود زیرساختی / تکنوکراسی ممسنی در این دوره رقم خورد و هرآنچه پابرجای ماند، تعارض آراء و عقاید حزبی / جناحی و انتصابات طایفه‌ای بود. تقابل تاریخی دو رشته تفکر دشمن‌زیاری و بکش در این دوره به وقوع پیوست که می‌توان از آن تحت عنوان «عصر دشمن‌زیاری‌زه شدن» ممسنی یاد نمود.

علی احمدی به عنوان هفتمین نماینده، خدمت را در معنای همسویی با آرمان‌های انقلاب اسلامی در سطح کلان و بوروکراسی طایفه‌ای در مقیاس محلی دنبال نمود. باین تفاوت که احمدی برعکس امینی، دغدغه توسعه زیرساختی / تکنوکراتیک در قبال حوزه انتخابیه خود را داشت و همه تخم‌مرغ‌هایش را در سبد هم حزبی‌های خود نگذاشت. در دوره علی احمدی بود که دو کلان‌پروژه سیدپارسیان و پتروشیمی ممسنی ردیف بودجه ملی گرفت. تااین دوره و حتی می‌شود گفت تا کنون (۱۴۰۳)، هیچ‌یک از نمایندگان پس از آن، نتوانسته اند در حوزه زیرساختی ممسنی خوش بدرخشند اما احمدی به‌درستی و با یک نقش‌آفرینی محاسبه‌شده عقلانی در پارلمان، چنین پروژه‌هایی را برای توسعه زیرساختی ممسنی تکوین کرد. درمجموع، «جاویدی‌زه شدن» ممسنی در این دوره به‌وقوع پیوست شد.

هرچند عبدالرضا مرادی، نماینده دور هشتم خود را در چارچوب گفتمان اصولگرایی احمدی‌نژاد تعریف نمود، اما بوروکراسی طایفه‌ای، خدمات‌رسانی زیرساختی، عمرانی و تکنوکراتیک به حوزه انتخابیه و انجام کارهای شخصی برای موکلین خود را دنبال نمود. خدمت به معنای شخصی شدن امور هم‌تباران در این دوره رواج یافت. طی این دوره، «توتستانی‌زه شدن» ممسنی به وقوع پیوست.

نوذر شفیعی، نهمین نماینده این منطقه، خدمت را در معنای ضوابط اداری / سازمانی از یکسو و اجابت انتصابات طایفه‌ای از سوی دیگر تعریف نمود. پرهیز از پیگیری امورات شخصی موکلین در دستور کار شفیعی بود، به طوری که نتوانست نام نیکی از خود بر جای گذارد. هرآنچه از او نزد توده‌ها ثبت شد؛ تحلیلگر رسانه‌ای / امنیتی و افغان‌پژوهی ناخوشایند بود که حکم به فراموشی وی داد. در مجموع، این دوره را می‌توان «عصر بابر سالاری زه شدن» ممسنی نامید.

مسعود گودرزی، دهمین نماینده نورآبادی، خدمت را در معنای پیشبرد ملاحظات حزبی / جناحی در سطح کلان، اعطای تسهیلات زیرساختی / عمرانی به حوزه انتخابیه و بوروکراسی طایفه‌ای در مقیاس محلی تعریف نمود. کاستی‌های ناشی از زادم‌بوم گودرزی (تیره بوان) در این دوره برطرف شد و «عصر بوانی زه شدن» ممسنی رسماً آغاز شد. مجید انصاری، یازدهمین نماینده این سامان، ضمن حمایت از جغرافیای قدرت و نهادهای امنیتی در سطح کلان، تخصیص ردیف اعتبارات زیرساختی عمدتاً به شهرستان رستم (و نه ممسنی) و انتصابات طایفه‌ای را دنبال نمود. هرآنچه از انصاری باقی ماند، ستایش وی به عنوان شاعری فرزانه بود. این دوره را می‌توان به «عصر رستمی زه شدن» ممسنی (ادوار چهارم و پنجم) قلمداد نمود. سرانجام، امید نصیبی دوازدهمین نماینده حوزه انتخابیه، مبنای خدمت خود را در پیگیری پروژه‌های کلان، ارتباط با توده و نوع‌دوستی و صلح، آغوش درمانی و از همه قلمروها تعریف نموده است. «ممسنی زه شدن» حوزه انتخابیه در این دوره رُخ داده است.

جدول ۵) مبنای خدمت نمایندگان ادوار نورآباد فارس

نماینده	دوره نمایندگی	مبنای خدمت
عبدالحسین تژده	پهلوی دوم (بیست- و سوم و بیست و چهارم)	مدیرنیاسیون و تعامل اجتماعی
صمد شجاعیان	اول و دوم	مردم‌دوستی و رهایی از جنس خویشتن / نام نیک
سیدعبدالرسول موسوی	سوم	بوروکراسی امنیتی / سازمانی / گزینشی / پادگانی
رضاقلی الهیاری	چهارم	الفاظ ادبیانه / آموزشی و بوروکراسی طایفه‌ای
فربرز انصاری	پنجم	سرشت الهی / آن‌جهانی و بوروکراسی طایفه‌ای
سیدابراهیم امینی	ششم	خدمات حزبی / جناحی و بوروکراسی طایفه‌ای
علی احمدی	هفتم	خدمات حزبی / جناحی / تکنوکراسی و بوروکراسی طایفه‌ای
عبدالرضا مرادی	هشتم	خدمات رسانی زیرساختی / عمرانی / تکنوکراتیک / شخصی شدن امور و بوروکراسی طایفه‌ای

ضوابط اداری / سازمانی و بوروکراسی طایفه‌ای	نهم	نوذر شفیعی
ملاحظات حزبی / جناحی، تسهیلات زیرساختی / عمرانی و بوروکراسی طایفه‌ای	دهم	مسعود گودرزی
حمایت از جغرافیای قدرت و نهادهای امنیتی در سطح کلان / تخصیص ردیف اعتبارات زیرساختی به زادگاه / بوروکراسی طایفه‌ای	یازدهم	مجید انصاری
پیگیری پروژه‌های کلان / پیامک شخصی به هم‌نوعان / آغوش درمانی / بوروکراسی طایفه‌ای	دوازدهم	امید نصیبی

۵-۲-۵. کارآمدی؛ بادی لنگویج داوطلبین

کارآمدی یکی از مهم‌ترین اصطلاحاتی است که در محافل سیاسی و کارزارهای انتخاباتی به‌وفور یافت می‌شود. نامزدهای انتخاباتی به‌استناد میزان کارآمدی خود در این عرصه ابراز وجود می‌نمایند تا اعتماد توده‌ها را جلب نمایند. نمایندگان نیز به‌منظور اثبات و نمایش کارآمدی خود، به‌طور مکرر در کارزارهای انتخاباتی اعلام کاندیداتوری می‌نمایند. در این میان، عبدالحسین تژده، فرماندار و نماینده دو دوره شهرستان ممسنی قبل از انقلاب ۵۷ را می‌توان کارآمدترین کارگزاران این شهرستان انگاشت؛ چراکه کارآمدی خود را به‌واسطه نوسازی شهری و تعامل اجتماعی حَسَنه با توده‌ها به اثبات رسانید. «عصر نو سازی / مدرنیزاسیون» ممسنی در این دوره رقم خورد. اگرچه پس از انقلاب ۵۷، هریک از نمایندگان ممسنی و رستم، خود را کارآمدترین نماینده این حوزه انتخابیه جلوه می‌دهند، اما تک‌دوره شدن آنان (به‌استثنای صمد شجاعیان) نشان می‌دهد از نظر باشندگان این سامان، آنها از کارآمدی چندانی برخوردار نبوده‌اند.

به لحاظ مبانی کارآمدی صمد شجاعیان نماینده ادوار اول و دوم، کارآمدی را در معنای نوع‌دوستی تعریف کرد. خُلق و خوی درخور شجاعیان همگان را به خود جذب نمود. به عبارتی، بیش از آنکه راندمان کاری شجاعیان براساس گزارش عملکرد او سنجیده شود، بر مبنای روابط عاطفی / احساسی با توده‌ها قابل سنجش است. یافته‌های میدانی نشان می‌دهد نورآباد فارس طی دوران صمد، به لحاظ نوسازی (به استثنای تجهیز ماشین‌آلات کشاورزی و ناوگان حمل‌ونقل) تاحدودی روبه‌رشد بوده، ولی کاریزمای شجاعیان مبنای کارآمدی او تلقی شد و در اذهان توده‌ها پابرجای ماند. این درحالی است که سیدعبدالرسول موسوی، مبنای کارآمدی خود را در گزینش راست‌آیینان مذهبی / حکومتی و دورریزی غیرخودی‌ها تعریف نمود. بنابراین عدم عبور نخبگان از فیلتر صلاحیت‌ها نه تنها ناکارآمدی موسوی را عیان ساخت، بلکه نهادهای اداری و مدیریتی را به جولانگاه

نیروهای غیررسمی و گروه‌های فشاری تبدیل ساخت که چندان خوشایند نورآبادی‌های دگراندیش نبود. براین اساس، «عصر تقابل ایدئولوژیک» طی این دوره عیان شد.

در دور چهارم، رضاقلی الهیاری کارآمدی را در معنای ادبی / اخروی و فریبرز انصاری در معنای الهی / اخروی بازتعریف نمودند. ازاین‌رو، هرکه معنوی‌گرا و آن‌جهانی‌اندیش بود، بامش بیش بود. بنابراین مبانی دینی و مذهبی پوششی بود بر ضعف کارآمدی این‌جهانی. درمجموع، باشندگان هم‌تبار به‌مثابه عالی‌ترین انسان‌های کارگزار برای نمایش کارآمدی در محافل سازمانی و مدیریتی انگاشته می‌شدند. ازاین‌رو، «عصر بنیادگرایی دینی / مذهبی» و «عصر بنیادگرایی طایفه‌ای» ممسنی به‌صورت توأمان در این دوره آشکار شد. ازسوی دیگر، سیدابراهیم امینی نماینده دور ششم، کارآمدی را در تحزب و دگراندیشی، تلخیص نمود. «عصر روشنگری» ممسنی در این دوره آشکار شد، ولی «بنیادگرایی طایفه‌ای» نیز شدت گرفت. طی ادوار هفتم تا دوازدهم بنیادگرایی طایفه‌ای استمرار یافت. علی احمدی نماینده دور هفتم، کارآمدی را در درجه‌نخست به توسعه زیرساخت‌های ممسنی و خدمت به وفاداران تعریف نمود. حمایت احمدی از جغرافیای قدرت «عصر مناسبات حکومتی / ولایی» ممسنی را رقم زد. مرادی، نماینده دور هشتم کارآمدی را در خدمت به هم‌طایفه‌ای‌ها تعریف کرد، به‌طوری‌که «عصر مناسبات شخصی» در این دوره شکل گرفت. شفیع، نماینده دور نهم خدمت را در معنای قانونمندی و پیشبرد رسمی امور تعریف کرد. «عصر ضوابط خشک دولتی» در این دوره به وقوع پیوست. مسعود گودرزی، نماینده دور دهم ضمن حمایت از هم‌تیره‌ای‌های خود (بوان)، «عصر تک‌روی و یکجانبه‌گرایی»، تحزب و دگراندیشی امینی (نماینده دور ششم) را بازساخت نمود. مجید انصاری، نماینده دور یازدهم با تخصیص اعتبارات به زادبوم خود و نگاه حکومتی / ولایی، «عصر بنیادگرایی دینی / مذهبی» الهیاری و انصاری (نمایندگان ادوار چهارم و پنجم) را با چاشنی نوسازی بازساخت کرد. امید نصیبی، نماینده دور دوازدهم با حمایت جغرافیای قدرت در سطح کلان، رویکرد مردم‌دوستی و مردم‌محوری، تلفیقی از بازگشت به «عصر نوسازی و مدرنیزاسیون» تژده و «کاریمایی و مردم‌سالاری» شجاعیان، و عصر «ولایی / نظامی» احمدی را توأمان در پیش گرفته است.

جدول ۶) مبنای کارآمدی نمایندگان ادوار نورآباد فارس

نماینده	دوره نمایندگی	مبنای کارآمدی
عبدالحسین تژده	پهلوی دوم (بیست و سوم و بیست و چهارم)	نوسازی شهری و تعامل اجتماعی با توده‌ها
صمد شجاعیان	اول و دوم	نوع دوستی و روابط عاطفی با توده‌ها
سیدعبدالرسول موسوی	سوم	گزینش راست‌آیینان مذهبی/حکومتی و دورریزی غیرخودی‌ها
رضاقلی الهیاری	چهارم	گزینش ادبی / اخروی و انتصاب هم‌تباران
فریبرز انصاری	پنجم	گزینش الهی / اخروی و انتصاب هم‌تباران
سیدابراهیم امینی	ششم	تحزب / دگراندیشی و انتصاب هم‌تباران
علی احمدی	هفتم	حکومتی / ولایی‌اندیشی و انتصاب هم‌تباران
عبدالرضا مرادی	هشتم	مناسبات شخصی / رفیق‌بازی و انتصاب هم‌تباران
نوذر شفیعی	نهم	ضوابط خشک مدیریتی / پیشبرد رسمی امور و انتصاب هم‌تباران
مسعود گودرزی	دهم	تحزب / دگراندیشی و انتصاب هم‌تباران
مجید انصاری	یازدهم	حکومتی / ولایی‌اندیشی و انتصاب هم‌تباران
امید نصیبی	دوازدهم	مردم‌محوری / ولایی / نظامی و انتصاب وفاداران

۶. نتیجه‌گیری

نتایج برآمده از یافته‌های تحقیق حاکی از این است که کارزار انتخاباتی نورآباد فارس با مزایای اجتماعی گره خوره است. بازیگران انتخاباتی فرصت را مغتنم شمرده و در راستای دستیابی به این مزایا، نامزدی خود را صرف‌نظر از هر نتیجه‌ای تکرار می‌نمایند. گاه نامزدی مکرر این نمایندگان حکم به صعود آنها (عبدالحسین تژده و صمد شجاعیان) و گاه حکم به سقوطشان (نمایندگان تک‌دوره‌ای ادوار چهارم تا دوازدهم) داده است. میل این بازیگران برای دستیابی مجدد به کرسی مجلس به اندازه‌ای است که از هیچ کوششی در راستای پیروزی پیاپی در این کارزار دریغ نکرده‌اند؛ چه لابی برای تأیید صلاحیت خود نزد مراجع ذی‌صلاح، چه تمهید تمام‌عیار منابع سیاسی (مجریان انتخابات)، اقتصادی (پول‌پاشی و تالاربازی) و انسانی (گروه‌های خویشاوندی، متنفذین محلی، موی‌سپیدان، نیروهای اجتماعی، نخبگان، توده‌ها و جزاینها). بنابراین این نتیجه حاصل می‌شود که شناسه‌های سه‌گانه «شهرت»، «قدرت» و «ثروت»، مهمترین «مزایای اجتماعی» اعلام نامزدی در کارزارهای انتخاباتی

به‌ویژه از سوی نمایندگان ادوار نورآباد فارس هستند. نمایش میزان «کارآمدی» و «خدمت» نیز از دیگر شناسه‌های تقویت‌کننده این مسئله به‌شمار می‌روند.

جدول ۷) خصایص کلی حاکم بر نامزدهای ادوار اول تا دوازدهم نورآباد فارس

نامزدهای مردمی / نظامی	دور اول
نامزدهای مردمی / ایدئولوژیک	دور دوم
نامزدهای فلسفی / دگر اندیش / ایدئولوژیک	دور سوم
نامزدهای تباری / دینی	دور چهارم
نامزدهای تباری / مذهبی	دور پنجم
نامزدهای تباری / حزبی	دور ششم
نامزدهای تباری / حکومتی	دور هفتم
نامزدهای تباری / دولتی	دور هشتم
نامزدهای تباری / دولتی / حکومتی / ملتی	دور نهم
نامزدهای مکانی / تباری / حزبی	دور دهم
نامزدهای حکومتی / کم وزن (کوتوله)	دور یازدهم
نامزدهای گمنام / بی‌پشتوانه تباری	دور دوازدهم

۷. تقدیر و تشکر

نویسندگان از افرادی که در این زمینه، آنها را یاری کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنند. همچنین از نویسندگانی که آثارشان در این اثر استفاده شده است سپاسگزاری می‌شود.

۸. منابع مالی

نویسندگان تا کنون از هیچ حمایت مالی و انگیزشی از سوی کارگزاران و قلمروداران نورآباد فارس برخوردار نشده‌اند، با این حال انگیزه معرفتی و شناساندن زادگاه و نیل به توسعه و معرفت‌یافتن انسان نورآباد فارس، انگیزش نوشتار کنونی برای نویسندگان بوده است. حمایت درگاه احدیت همراه ایشان باد.

۹. فهرست منابع

- اعظمی، هادی و همکاران (۱۴۰۰)؛ بازتاب‌های رویکرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در شهرستان ممسنی (باتاکید بر سه مفهوم تکنوکراسی، بوروکراسی و کاریزما)، مجله سیاست‌پژوهی، دوره ۸، شماره ۲۲، پاییز ۱۴۰۰، صص ۱۹-۱.
- افشاری، علی (۱۴۰۲)؛ ناکنش‌گری و مشارکت نامشروط انتخاباتی در نظام‌های اقتدارگرا، قابل دسترس در آدرس:

<https://www.dw.com/fa-ir>

- امجد، محمد (۱۳۸۹)؛ سیاست و حکومت در ایالات متحده، تهران: سمت.
- پوراسدی، محمد و معدنی، جواد (۱۳۹۵)، تأثیر مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی بر کیفیت ارائه خدمات انتظامی، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هشتم، شماره اول.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۲)؛ جامعه‌شناسی ایران، جامعه کزمدرن، تهران: نشر علم.
- چیت‌سازیان، علی‌رضا، کمال، عباسعلی (۱۳۹۹)؛ تکوین نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی از منظر روش‌شناسی بنیادین، مطالعات مدیریت دولتی ایران، تابستان ۱۳۹۹، سال سوم، شماره ۲، صص ۱-۳۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رجب‌زاده، احمد و همکاران (۱۳۹۰)؛ مطالعات اجتماعی، سال اول دبیرستان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- رضائیان، علی (۱۳۹۲)؛ مبانی سازمان و مدیریت، ویراسته دکتر علی‌اصغر پورهمت، تهران، سمت.
- صادقی، وحید (۱۳۹۳)؛ بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی)، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- صادقی، وحید (۱۴۰۲)؛ تبیین عوامل مؤثر بر پیروزی نامزدها در پیکارهای انتخاباتی و ارائه الگوی بهینه، رساله دکتری منتشر نشده جغرافیای سیاسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- صادقی، وحید و همکاران (۱۴۰۳)؛ تبیین عوامل مؤثر بر پیروزی نامزدها در پیکارهای انتخاباتی و ارائه الگوی بهینه، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۶، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۳، صص ۱۹۷-۲۱۶.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۶)؛ نظریات جدید جغرافیای سیاسی، تهران: نشر قومس.
- عطار، سعید و کمالی‌زاده، محمد (۱۳۹۷)؛ کارآمدی به مثابه ظرفیت دولت؛ رهیافتی سیاسی به مفهوم کارآمدی، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۱-۲۶.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۶)؛ شهرست به مثابه ساختار بلاهت، ۲۴ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در این آدرس: <https://anthropologyandculture.com>
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، (ویراست ۲)، تهران، سمت.
- نوح‌هراری، یووال (۱۴۰۱)؛ رسانه‌های اسرائیل در هفته‌ای که گذشت؛ معترضان به تغییرات قضایی، از اقتصاددانان تا یووال نوح‌هراری، گزارش تهیه شده توسط فرنوش رام در رادیو فردا قابل دسترسی پایگاه اینترنتی: <https://www.radiofarda.com/a/32274112.html>
- Arowolo, D.E (2019). Vote and make soup: Money Politics and Democratic Decline in Ondo State, Nigeria. Journal of African Political Economy and Development, No 4, 50-66.
- Charles, M. P. (2017). Tanzania general election 2015: Dynamics of political campaign's in determining voting preferences. International Journal of Recent Research in Social Sciences and Humanities, 4, 120-132.

- Obani, E. F. Odalonu, B.H. (2019). Election and Voting Behaviour in Nigeria. *Political Psychology*, 5, 122-131.
- Omobolanle Seri, F. Emmanuel, O. (2019). Influence of Docial Media on youth Participation in politics in Nigeria: A Case of the 2015/2019 General Elections. *Journal of Social Sciences and Public Policy*, No 50, 911-931.
- Peter Charles, M. (2021). Money politics in election campaigns: The power of “money politics” and “ethnicity” in voting decisions in Tanzania. *Global Business and Management Research: An International Journal*, 13, 84-95.
- Silvester, J. Wyatt, M. Ellen III, B.P. Ferris, G.R. (2021). Candidate Effects on Election Outcomes: Political Skill, Campaign Efficacy and Intentions in a British General Election. *Applied Psychology*, No 70, 1628-1668.
- Schumacher, G. Zettler, I. (2019). House of Cards or West Wing? Self Reported HEXACO Traits of Danish Politicians. *Personality and Individual Differences*, No 141, 173-181.

